

بسمه تعالی

مفهوم عدالت

مقدمه

در مطالعات انجام شده پیرامون نظریات متفکرین و فیلسوفان متقدم و متأخر در باره عدالت، مشخص می شود که مسئله و موضوع عدالت امری ریشه دار و فراگیر در بیشتر عصرها و سرزمین ها بوده است. این موضوع هم در شرق قدیم (ایران، چین، هند ...) و هم در غرب قدیم (یونان و روم) و هم در قرون وسطی و عصر رنسانس و دنیای معاصر مورد توجه و کنکاش قرار گرفته است.

این موضوع در آرای افلاطون با طرح پرسش چیستی عدالت در آرای ارسطو با تقسیم هشت گانه عدالت، در آرای قدیس آگوستینوس و قدیس توماس آکوئیناس با ستایش از عدالت و صلح مطرح شده است. همچنین هابز با عدالت قانونیهیوم با دلایل پناه بردن به عدالت کانت با عدالت به مثابه قاعده عام و فراگیر دورکین با تلاش برای تلفیق نگرش سوسیالیستی و آزادی خواهانه فریدمن با طرح آزادی انتخاب فون هایک با سراب عدالت اجتماعی نوزیک با نظریه استحقاق مارکس با حذف طبقات اجتماعی یا تساوی در رفع نیاز، فارابی با عدالت طبیعی و وضعی، ابن خلدون با تعریف ظلم و نقش انسجام بخش عدالت مطهری با مقیاس بودن عدالت برای اسلام، حکیمی با اولویت اجرای عدالت با رویکرد اخلاقی محمد باقر صدر با رویکرد چندوجهی، آمارتیاس با طرح برابری قابلیت ها در مقابل دستاوردها و جان رالز با برابری فرصت ها و امکانات اولیه هرکدام به نوعی موضوعات مربوط به عدالت را مورد توجه قرار داده اند و در نفی و اثبات ابعاد مختلف موضوع کوشیده اند که به برخی از آنها اشاره می کنیم.

عدالت اقتصادی

عدالت و قسط، برترین آرمان نوع بشر و مفهومی است که انسان از آغاز حیات و شکل گیری تمدن خویش، در باره آن به جستجو و تأمل پرداخته و کمابیش از آن آگاهی داشته است و گرایش به آن و شوق و رغبت نسبت به آن و آگاهی نظری نسبت به آن را در نهاد خویش احساس می کرده است. موضوع عدالت، ذهن غالب اندیشمندان بشر را در تمامی حوزه های معرفتی از فلاسفه گرفته تا مصلحان اجتماعی و رهبران انقلابات به خود مشغول داشته است.

پرسش در باب عدالت و چیستی آن و چگونگی اش از پرسش های همیشگی نوع انسان قلمداد می شود. علت این امر نیز روشن است. انسان به عدالت نیاز دارد و بی آن زیست نتواند کرد. جامعه نیز جز بر عدالت بنا نخواهد شد و استقرار و ثبات نخواهد یافت این در حالی است که حکومت در نگاه اسلام جز برای تحقق عدالت و اجرای آن در جامعه بوجود نمی آید. روشن است اختلاف نظر عمده برسر پرسش « چرا عدالت و چرا برابری » نیست بلکه اختلاف بر سر عدالت در « چه چیز » و « برابری چه چیز » می باشد. یعنی اختلاف نظر اساسی مکاتب فکری در مقوله عدالت و برابری در این است که هریک چه چیزی را مسئله محوری اجتماع می شمارد. (اهمیت متغیر کانونی) برای مثال جان رالز آزادی برابر و برابری در توزیع امکانات اولیه را دنبال کرده اما دونالد دورکین برابری در نحوه برخورد و برابری منابع توماس ناگل

برابری اقتصادی ، توماس اسگنلون برابری کلی رابرت نوزیک برابری در حقوق جیمزبوکانان برخورد سیاسی و قانونی مساوی را دنبال کرده اند و قس علیهذا.

سه رویکرد اسلامی به عدالت اقتصادی

الف) رویکرد استاد شهید مطهری (رویکرد حقوق طبیعی)

استاد مطهری در هیچ یک از آثارش به طور مستقل و مفصل به موضوع عدالت اقتصادی نپرداخته اما نکات قابل تأملی را در خصوص عدالت اجتماعی و بایسته های نظام اقتصادی بیان نموده است. آنچه در مجموع دیدگاه های ایشان مهم است . کیفیت توجهی است که به اصل عدالت دارد و جایگاه عالی در کلام ، فقه ، اقتصاد و سیاست و فضای اسلامی برای آن در نظر می گیرد . استاد با استناد به آیه معروف قسط (آیه ۲۵ سوره حدید) در کمال صراحت ، عدالت اجتماعی را به عنوان هدف اصلی برای همه انبیاء ذکر می کند و عدالت را رکن اصیل و پایه فلسفه حقوق اجتماعی می شمارد و اذعان می نماید که به طور خلاصه عدل در قرآن آنجا که به توحید یا معاد مربوط می شود شکل دهنده جهان بینی است . آنجا که به نبوت و تشریح و قانون بر می گردد یک مقیاس و معیار قانون شناسی است و آنجا که پای اخلاق به میان می آید آرمانی انسانی و آنجا که به اجتماع کشیده می شود یک مسئولیت بزرگ است. از همین موضوع دین شناسی ، برداشت استاد مطهری از عدالت اجتماعی و طبیعتاً "اقتصادی ناظر به محتوایی استحقاق گراست.

تعریف مشخص وی این است که : اگر عدالت یعنی رعایت تساوی در زمینه استحقاق های مساوی که البته درست است و عدالت مساوات را ایجاد می کند اما معنی حقیقی عدالت اجتماعی که در قانون بشری باید لحاظ شود رعایت حقوق و شایستگی های افراد است یعنی اعطای کل ذی حق حقه حال اینکه حق و بهره هرکس در روابط اقتصادی ، اجتماعی چقدر است استاد مطهری پای حقوق طبیعی را به میان می کشد.

ب) رویکرد استاد محمدرضا حکیمی (رویکرد جامعه گرایی اخلاقی)

سه ویژگی متمایز در مجموعه اقتصادی « الحیاه » رویکرد استاد را به عدالت نشان می دهد:

۱. استنباط اجتماعی و نظام واره از آموزه های اقتصادی اسلام (برخلاف سنت فقهای فردنگر و بخش گرا)
۲. احیای اولویت و آثار اصلاح اقتصادی در برابر اولویت های سیاسی (هم در اندیشه و فقه اسلامی و هم در عمل اجتماعی)

۳. شدت انتقاد و مبارزه علیه طغیان اقتصادی و سرمایه داری آزاد

استاد حکیمی نظرات خود را درچکیده مجلدات اقتصادی « الحیاه » این گونه بیان می کند: هدف غایی در نظام و یگانه معیار در احکام اقتصادی اسلام ، برقراری عدالت به معنای توازن اقتصادی می باشد . براین اساس هر آنچه در این توازن اخلاقی ایجاد کند مورد تأیید اسلام نیست . باید با هر چه جامعه اسلامی را به سوی طبقه ای

شدن و سنگینی وزن یک طرف به ضرر دیگری سوق می دهد مبارزه شود . در نهایت در جامعه آرمانی هر چه کمیت و کیفیت تصاحب و مصرف اموال به ویژه مصرف در میان مردم نزدیک تر باشد مطلوب تر خواهد بود. نه تنها عادلانه شدن روابط اقتصادی در میان مردم و بین مردم و حکومت از اجزای مهم تحقق قسط اجتماعی است بلکه با بقای ظلم اقتصادی ، مبارزه با دیگر انواع ظلم و فسادهای اجتماعی بی نتیجه خواهد ماند و لذا برای نکته مهم تأکید می کند که طاغوت سیاسی تنها یکی از سیئات طاغوت اقتصادی است چنان که رسالت پیامبران در هم کوبیدن فرعون ها در هر عصر و نسل بوده و مبارزه با قارون ها نیز در سرلوحه اصلاح اجتماعی ایشان قرار داشته است. نکته دیگر در جایگاه عدالت اقتصادی ، اثر آن در تأمین کرامت عمومی انسان ها و زمینه سازی برای رشد معنوی آنهاست و اینها فقط در کشتزار عدالت اقتصادی به بار خواهد نشست. استاد تصریح می کند « اسلام نه تکاثر و نه فقر را به رسمیت نمی شناسد» و مهم ترین نشانه نظام عادلانه را می توان در کوچک شدن پیوسته دو طبقه متکاثر و فقیر و محروم جستجو نمود.

ج) رویکرد استاد سید محمد باقر صدر (رویکرد چندوجهی)

آیت الله صدر در بحث عدالت عملاً "متغیری را کانونی می داند که همساز با اصول عادلانه تکوینی باشد و در راستای ملاحظات مربوط به عقاید ، اخلاقیات و احکام دینی باشد . او با تأکید بر توصیه های اسلام به برادری مؤمنین (انما المؤمنون اخوه) معتقد است. مواجهه انسان ها با یکدیگر از حالت خصومت به سمت همگرایی و همکاری تغییر می کند و ادعان می کند هماهنگی انسان ها با یکدیگر خیلی بیشتر از تفاوت های ظاهری آنهاست. باتوجه به داده های وحیانی در دستگاه فکری صدر این نتیجه حاصل می شود که نظریه عدالت وی دارای متغیر کانونی چند وجهی است . به نظر او برابری فرصت ها بخشی از هدف اقتصاد اسلامی را که همان عدالت اجتماعی است محقق می نماید . او آزادی برابر و عدالت و برابری در توزیع امکانات اولیه و منابع را به عنوان محقق کننده بخشی از هدف اقتصاد اسلامی می پذیرد . در عین حال نظریه تساوی گرایانی که با استفاده از دولت بزرگ و قوانین و مقررات سعی در ایجاد جامعه ای با بیشترین رفاه را دارند را هم غیر عقلایی و غیر مفید می داند. تلاش صدر برای رسیدن به درجه بالایی از یک جامعه غیر طبقاتی است که نظام اقتصادی آن با کمک پشتوانه اخلاق اسلامی به سوی برابری و عدالت اجتماعی به پیش می رود. لذا در نظریه سید محمد باقر صدر متغیر کانونی عدالت اقتصادی دارای ویژگی های ذیل می باشد:

- ۱- برابری در منابع و فرصت ها
- ۲- محکومیت فقر مطلق و تأکید بر تأمین حداقل معیشت
- ۳- برابری در برابر قانون
- ۴- رفاه نسبی و متعارف
- ۵- محدودیت در سقف ثروت

برابری قابلیت ها (آمارتیا سن)

نخستین بار آمارتیا سن به صورت تفصیلی در باره اختلاف متفکران در باب عدالت اقتصادی نکات دقیقی را مطرح نمود . او اظهار می دارد:

همه اندیشمندان و فیلسوفان سخن بسیاری پیرامون عدالت مطرح کرده و این برابری طلبی را عادلانه دانسته اند لیکن اختلاف عمده آنها در باره پاسخ به پرسش برابری چه چیز ؟ می باشد. اختلاف نظر عمده بر « چرا عدالت و چرا برابری نیست بلکه اختلاف بر سر عدالت در چه چیز و برابری چه چیز می باشد. » مکاتب فکری هریک چه چیزی را مسئله محوری اجتماعی می دانند ؟ مشخصات نابرابری در فضاهای مختلف (درآمد ، ثروت، خوشبختی، رفاه و غیره) به علت چندگانه بودن مردم با هم متفاوتند . برابری برحسب یک متغیر ممکن است برابری در مقیاس دیگری منطبق نباشد.

برای نمونه:

فرصت های برابر ممکن است به درآمدهای بسیار نابرابر بیانجامد
درآمدهای برابر می تواند با تفاوت های فاحشی در ثروت همراه باشد.
ثروت های برابر می توانند با رفاه یا خشنودی های بسیار نابرابر توأم گردند.
حال آنکه برابری با دو نوع متفاوت از تنوع روبروست: یکی چندگانگی انسان ها و دیگری تعدد متغیرهایی که برابری را برحسب آنها می سنجیم. او با دقت فراوانی سعی در تعریف متغیر کانونی دارد به گونه ای که می گوید:
« برابری را براساس مقایسه جنبه خاصی از یک شخص (از قبیل درآمد ، ثروت ، خوشبختی ، اختیار ، فرصت ، حقوق ، یا برآورده شدن نیازها) با همان جنبه از شخص دیگری می سنجند. » عمده ترین مسئله ای که توجه سن را به خود جلب کرده است مسئله قابلیت ها در مقابل دستاوردها ست. قابلیت یعنی آنچه که می تواند رخ دهد و دستاورد یعنی آنچه که رخ می دهد.
برای مثال یک انسان معلول قابلیتی متفاوت از فردی دونده دارد و چنانچه دستاورد و مزد این دو نفر یکسان باشد شرایط و عملکرد متفاوتی خواهند داشت.

عدالت توزیعی (جان رالز) فرصت ها و امکانات اولیه برابر

جان رالز (۲۰۰۳ - ۱۹۲۱) معتقد است عدالت عالی ترین فضیلت و خیری است که نهادهای اجتماعی می توانند ایجاد کنند. درست همان طور که حقیقت عالی ترین فضیلت نظام های فکری است . جان رالز یک رویکرد تحلیلی نسبت به مفهوم عدالت ارائه می کند.

موضوع عدالت توزیع است ، توزیع منابع محدود . چون افراد نمی دانند که در این دنیا چگونه خواهند بود زن یا مرد ، سیاه یا سفید ، قدرتمند یا ضعیف ، تندرست یا بیمار ، غنی یا فقیر و از چه موقعیت و منزلتی برخوردار خواهند بود . پاسخی که می دهند پاسخی منصفانه خواهد بود . از این رو نظریه خود در باب عدالت را « عدالت به مثابه انصاف » می نامد
رالز به نقد مطلوبیت گرایی ، فلسفه حاکم بر علم اقتصاد می پردازد و بر مبنای فلسفه اخلاق کانتی دو اصل برای عدالت به مثابه انصاف مطرح می کند.

اصل نخست که بر برابری آزادی های اساسی انسان ها تأکید می کند.
اصل دوم یک رویکرد مساوات طلبانه را در توزیع منابع مطرح می کند.

آرای جان رالز در کتاب « نظریه ای در باب عدالت » واکنش های گسترده ای را در پی داشت که حاصل آن سیلی از کتاب ها و مقالات از زمان انتشار این اثر تا کنون بوده است.

بطور خلاصه دو اصل عدالت رالز عبارتند از :

۱ - هر فردی باید حق یکسان و برابر نسبت به گسترده ترین نظام کلی آزادی های اساسی برابر ، منطبق با یک نظام مشابه آزادی برای همه داشته باشد.

۲ - نابرابری های اجتماعی و اقتصادی باید به نحوی مدیریت شوند که دارای دو ویژگی زیر باشند:

(الف) - بیشترین منفعت از این نابرابری ها متوجه محروم ترین گروه های جامعه باشد.

(ب) - حق دسترسی به مناصب ، مشاغل ، باید تحت شرایط برابری عادلانه فرصت ها بر روی همه آحاد جامعه

گشوده شود. (اصل برابری منصفانه نه فرصت ها)

دکتر محمد رضا سپهری